

## خداوند نمی خواهد کسی گم شود!

بسیاری از مامورین باج و خراج و سایر مطرودین جامعه اغلب گرد می آمدند تا سخنان عیسی را بشنوند. اما فریسیان و علمای دین از او ایراد گرفتند که چرا با مردمان بد نام و پست نشست و برخاست می کند و بر سر یک سفره می نشیند. پس عیسی این مثل را برای ایشان آورد. اگر یکی از شما صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها از گله دور بیفتد و گم شود چه می کند؟ یقیناً آن نود و نه گوسفند را می گذارد و به جستجوی آن گم شده می رود تا آن را پیدا کند. وقتی آن را یافت با شادی بر دوش می گذارد و به خانه می آید و دوستان و همسایگان را جمع می کند تا برای پیدا کردن گوسفند گم شده با او شادی کنند. به همین صورت باتوبه یک گناهکار گمراه و بازگشت او بسوی خدا در آسمان شادی بیشتری رخ می دهد تا برای نو و نه نفر دیگر که گمراه و سرگردان نشده اند. یا مثلاً اگر زنی ده سکه نقره داشته باشد و یکی را گم کند آیا چراغ روشن نمی کند و با دقت تمام گوشه و کنار خانه را نمی گردد و همه جا را جارو نمی کند تا آن را پیدا کند؟ و وقتی آن را پیدا کرد آیا تمام دوستان و همسایگان خود را جمع نمی کند تا با او شادی کنند؟ به همین سان فرشتگان خدا شادی می کنند از اینکه یک گناهکار توبه کند و بسوی خدا باز گردد.

در توضیح

در تاریخ ۲۰ یونی ۲۰۰۹ با خون سردی به خانمی در یک خیابان تهران شلیک شد. مرگ او فقط به این دلیل اتفاق افتاد، که او به خاطر تقلب در انتخابات احمدی نژاد، در تظاهرات حضور یافت. بعد از مرگ این خانم او به سمبولی برای تظاهرات سبزها در ایران تبدیل شد. چه کسی بود این خانم که آن زمان در خیابانی در تهران کشته شد؟ البته ما قطعاً نمی توانیم این را بفهمیم. مرگ او به سمبولی قدرتمند و رویدادی بزرگ در سیاست نقش بزرگی بازی می کرد. چندین بار در گذر زمان همچنین اتفاقاتی در دنیای ما نقش بازی کرده اند یا فراموش شده اند. دل سنگی زمانه بی رحم است و حتی برای لحظه ی متوقف نمی شود که از چنین کسانی قدر دانی شود. زن تهرانی؟ او کی بود، چه چیزی را دوست داشت، درک او از زندگی چی بود؟ کسی نمی تواند این را تجربه کند... ولی خداوند بزرگ ما در آسمان نمی خواهد که کسی بی نام و نشان ناپدید شود. خداوند عزیز ما می خواهد کسانی که می میرند یک آخرتی داشته باشند. او می خواهد که مرده های گم شده یا بی نام و نشان در آخرت زندگی کنند... به این خاطر مسیح آمد.

مسیح برای ما از طریق مثل ها و گفته هایش همیشه این را توضیح داد. او می گوید، که پدر آسمانی ما همیشه ما را در تمام عمر زیر نظر دارد. حتی موی از سر ما نمی افتد بی آنکه او بی خبر باشد... و اگر حتی کسی هم گم شود او با تمام وجود حضور خواهد یافت تا گم شده را جستجو کند و باز یابد. او از تمام کارهای دیگر خود دست خواهد کشید تا آن گم شده را پیدا کند. مسیح امروز عملاً با دو مثل این را برای ما روشن می کند. اولی این است که خداوند مانند چوپانی است که با منطق غیر اقتصادی ۹۹ گوسفند خود را در خطر رها می کند که آن یک گمشده را با علاقه دوباره پیدا کند. مثل بعد این است که زنی یک باره سکه ای را گم میکند و او ۹ سکه ی دیگر را رها می کند که آن تنها سکه گم شده را جستجو کند تا دوباره باز یابد. منظور از این دو مثل این است که خداوند تمام رها را برای همه ی انسانهای گم شده جستجو و انجای می رود که گم شده اند. او کار دیگری را نمی تواند انجام دهد بغیر از اینکه به طور باور نکردنی به خود زحمت می دهد تا حتی یک انسانی را نجات دهد. کارهای که خداوند ما از صمیم قلب و با تمام وجودش برای ما انجام می دهد را باید در آمدن مسیح دید. در طول زندگی او با تمام ترحم و با تمام قدرت خودش کسانی را جستجویی کند که بین ما فراموش شده اند. عیسی همیشه به کسانی می نگرد یا توجه می کند که در ایستگاه فرعی هستند جای که از نظر انسانهای دیگر به دور بودند. کسانی که مریض یا طرد شده ها یا کسانی امثال گناه کاران یا بچه های که مطابق میل پدر یا مادر خود عمل نمی کردند. البته بالاترین و بزرگترین هدف او در تمام زندگی این بود که بخاطر ما روی صلیب بمیرد. مرگ او بر روی صلیب بزرگترین دگرگونی در تاریخ بشریت بود. هیچ جای دیگری پیش نیامده است که خداوند از این طریق در یک لحظه اینقدر زیاد انسانها را از گناه برهاند. مسیح با به زحمت انداختن خود بین گناه کاران چه عملی انجام داد؟ بله او با این عمل خود به کسانی که تنها هستند نظر انداخت، کسانی که از طرف انسانهای دیگر و زمانه زیر پاها لج شدند و بایستی هم بی دلیل ناپدید می شدند. مسیح به دزدانی که با او به صلیب کشیده شدند نظر انداخت و با وجود زجر و رنج زیادی که بخاطر گناهان دنیا می کشید، با آنها به گفتگو پرداخت. مسیح با این کارش می خواهد او را هم حتمی نجات دهد. در این هنگام او مادرش و یوحنا را می بیند و این را

فراهم می کند که یوحنا مسولیت مادرش را به دوش بکشد و در آخر او به کسانی دیگر نظر می اندازد، حتی او کسانی که او را آن طور وحشتناک مجازات کردند از طرف خدا برای ایشان طلب بخشش می کند. با تمام این مثالها من می بینم که او می فرماید خداوند به طور عمومی به همه کمک می کند بلکه حتی یک به یک به ما توجه و کمک می کند. او به تو هم می نگرند و در این کارش کم کاری نمی کند. او با صمیم قلبش و با تمام وجودش تو را کمک می کند! او کار رای نیمه کاره رها نمی کند. او مثل پدر یا مادری نیست که همیشه این کار را می کند، یک گوشش به تلفن، یک انگشتش روی صفحه کلید و با چشمهایش یک صفحه کامپیوتر را نگاه می کند و زیر چراغ قرمز غرغر می زنی که بچه هر چی می خواهد بهش بدهیم تا که آخر سری دست از سر ما بردارد. ولی خدا کاری را نیمه کاره نمی گذارد او از صمیم قلب و با تمام وجودش برای تو وجود دارد! چه معجزه بزرگی است که من یک باره متوجه شوم که موضوع خداوند چیزی که آرامش روح من است را زیر زه بین ببرم. آیا من خداوند را با تمام قلب و تمام وجودم جستجو کرده ام؟ نه با تمام خواستم این کار را انجام نندادم! حتی اگر واقعاً بخواهم تمرکز کنم و دعا کنم باز هم به سرعت فکرم از موضوع دور می شود. و چند بار متأسفاناً باید متوجه شده باشیم که چیزهای دیگر برای من مهمتر از خداوند هستند. و متأسفاناً این موضوع برای همه یکسان است، کسی نیست که خدا را جستجو کند. (رومیان ۱۱، ۳) پولس در مورد تلاش بیهوده ما که فرمان اول را نمی توانیم نگه داریم می نویسد، به این خاطر تصمیم مهم را خداوند این جور گرفت که خود باید به طرف ما بیاید. خداوند ما را می شناسد او می داند ما چقدر قلبهای ضعیفی داریم، نه اینکه فقط او می داند بلکه او برای این مشکل کاری انجام می دهد و به این خاطر مسیح نجات دهنده را برای ما می فرستد. او کاری را انجام داد، که همیشه انجام می داد و این کارش را انجام می دهد، یعنی اینکه تا گم شده را پیدا کند. من گوسفند گم شده فقط باید با تعجب به این کار او بنگرم که او چطور هر کاری را انجام می دهد که من خودم هرگز نمیتوانستم انجام دهم. اگر ما در آخر فقط به این ایمان داشته که او برای ما حضور دارد، او این کار را با کمال میل انجام می دهد! نه اینکه بجای قبول کردن حقیقت مثل آدمهای معاصر در دل خود شک کنیم. فریسیان هم این کارها را انجام می دادند بجای اینکه به خدا اعتماد کنند به کارهای خود اعتماد کردند. روح ضعیف آنها به دنبال خداوند بود و این کار آنها برای ایشان مهمتر از این بود که خداوند از طریق مسیح برای ایشان چه کار بزرگی انجام داد. ما هم این عملها را انجام می دهیم، موقعه ی که ما با کار خود و تلاش خود می خواهیم خدا را تحت تاثیر قرار دهیم، با این کار همه چیز خوب خداوند را در راه اشتباه قرار می دهیم. چقدر ما خودخواه هستیم که با تکیه به کارهای خود می خواهیم خود را مثل خدا ی که نیستیم جلوه دهیم. ما با تعصب زیاد خداهای دروغین را جستجو می کنیم، حتی حاضریم در این راه مرتکب مرگ شویم تا او را خوشحال کنیم. مثل خدا بودن و چه عملی را انجام می دهیم را من تصمیم می گیرم. ما بجای اینکه خدا را آنچنان که هست بذاریم اسم او را برای هر هدفی که داریم تغییر و دستکاری می کنیم. داستان گوسفند گم شده و سکه گم شده اجازه می دهد که خداوند باشد. او کیست که گم شده را جستجو می کند؟ او خداوند است نه شخص دیگری! گوسفند خود، خود را پیدا نمی کند. سکه هم همینطور. ما به چه کس تعلق داریم؟ آیا ما به خود تعلق داریم؟ نه ما به خدا تعلق داریم. نه فقط شما به او تعلق دارید، حتی دیگران هم به او تعلق دارند. حتی انسانی که خیلی بد اخلاق باشد یا خیلی از خدا بدور باشد باز هم به خدا تعلق دارد. پس او مال خداوند است! من کی هستم که ادعا کنم که گوسفند گم شده که خداوند با قدرت او را به دست می آورد و موجب آرامش او می شود حقش نبود نجات یابد؟ خداوند نمی خواهد کسی اینجا و در جاهای دیگر گم شود. او نمی تواند فقط نگاه کند و ببیند حتی یک نفر زیر چرخ زمانه در این دنیا خونس ریخته شود یا گشنگی بکشد یا به دلایل دیگر. او به این خاطر اینجاست که برای همه حاضر باشد به این دلیل فرمود که همه باید قسل ببینند، نه فقط ما حتی کسانی که قبل از ماها وجود داشتند و آنها هم قسل دیدند. همین خدای که از طریق عیسی مسیح خود را به زحمت انداخت که تک تک ما را به دست آورد، حالا خود را از طریق روح القدس به ما نشان می دهد. او از طریق راهای مختلفی حتی هم از طریق راهای دور و دراز به طرف ما می آید تا ما را نجات دهد. تا ما به خدا تعلق داشته باشیم بعضی موقعه ها پیش می آید که او محبتی را درون ما بنا می کند که من خودم هرگز نمی توانم این محبت را به دست بیاورم. حتی می تواند پیش بیاید که من از طریق روح القدس با صمیم قلبم و تمام وجودم خدا را جستجو کنم و با فقط با او بخواهم باشم.

آمین